

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 – 1477

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN
GOOGLESCHOLAR.ENSANI
www.jaml.ir

سال ۱۴۰۵ سال هفتم، شماره ۲۷،
صفحات ۱۸-۱

تحلیل مبانی عدم مسئولیت کیفری اطفال مشمول ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی

دکتر سعید هدایت گروه حقوق، حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، ایران

امیر اعلم طاهریون دانشجوی کارشناسی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، ایران

چکیده

مسئولیت کیفری از بنیادی‌ترین مباحث حقوق جزا محسوب می‌شود و تحقق آن مستلزم وجود اراده، ادراک و قدرت تشخیص در مرتکب جرم است. اطفال به دلیل عدم تکامل قوای عقلانی و شخصیتی، فاقد مسئولیت کیفری کامل شناخته می‌شوند و قانون‌گذار ایران نیز در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی، به جای مجازات، تدابیر تربیتی و حمایتی را پیش‌بینی نموده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، مبانی فقهی، حقوقی و جرم‌شناختی عدم مسئولیت کیفری اطفال را بررسی می‌کند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مهم‌ترین مبانی این رویکرد عبارت‌اند از: فقدان رشد عقلی کافی، اصل حمایت از کودک، فردی کردن واکنش کیفری و تقدم اصلاح بر مجازات.

واژگان کلیدی: مسئولیت کیفری - طفل - قوه درک و تمییز - بلوغ - اختیار

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

Year 2026, Sixth year, Issue 27

Pages 1-18

Analysis of the principles of non-criminal liability of children under Article 88 of the Islamic Penal Code

Dr. Saeed Hedayat Department of Law, Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Iran

Amir A'lam Taheriyoun Bachelor of Law Student, Islamic Azad University, Zanjan Branch, Iran

Abstract

Criminal responsibility is considered one of the most fundamental issues in criminal law, and its realization requires the presence of will, perception, and the ability to recognize the perpetrator of a crime. Children are considered to lack full criminal responsibility due to the lack of development of their intellectual and personal faculties, and the Iranian legislator has also foreseen educational and protective measures in Article 88 of the Islamic Penal Code instead of punishment. The present study examines the jurisprudential, legal, and criminological foundations of the lack of criminal responsibility of children using a descriptive-analytical method. The results of the study show that the most important foundations of this approach are: lack of sufficient intellectual development, the principle of protecting the child, individualizing the criminal response, and the priority of correction over punishment.

Keywords: Criminal responsibility - child - power of understanding and discrimination - maturity - authority

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

مسئولیت کیفری زمانی تحقق می‌یابد که شخص دارای اراده، اختیار و قدرت تشخیص باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۶). در حقوق کیفری نوین، کودکان و نوجوانان به دلیل وضعیت خاص روانی و شخصیتی، از مسئولیت کیفری کامل برخوردار نیستند و واکنش کیفری نسبت به آنان با بزرگسالان تفاوت اساسی دارد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷).

قانون‌گذار ایران نیز با الهام از مبانی فقه اسلامی، نظریات جرم‌شناسی و اسناد بین‌المللی حقوق کودک، در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی رویکردی حمایتی و تربیتی نسبت به اطفال اتخاذ کرده است (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲).

بیان مسئله

مسئولیت کیفری یکی از اساسی‌ترین مفاهیم حقوق جزا است که تحقق آن منوط به وجود اراده آزاد، قدرت ادراک و قوه تشخیص در مرتکب جرم می‌باشد (اردبیلی، ۱۳۹۸). بر این اساس، هرگاه شخصی فاقد رشد فکری و توانایی درک ماهیت رفتار و نتایج آن باشد، انتساب مسئولیت کیفری کامل به وی با اصول عدالت کیفری سازگار نخواهد بود. اطفال و نوجوانان به دلیل ویژگی‌های سنی، روانی و شخصیتی، در مرحله‌ای از رشد قرار دارند که هنوز شخصیت آنان به صورت کامل شکل نگرفته و قدرت تشخیص حسن و قبح اعمال در آنان همانند بزرگسالان تثبیت نشده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲).

در حقوق کیفری سنتی، نگاه غالب نسبت به بزهکاری اطفال عمدتاً مبتنی بر رویکرد تنبیهی بود؛ اما با تحول اندیشه‌های جرم‌شناسی و ظهور مکاتب نوین دفاع اجتماعی،

دیدگاه حمایتی و اصلاحی نسبت به کودکان بزهکار جایگزین نگرش سرکوبگرانه گردید. بر اساس این دیدگاه، طفل بزهکار بیش از آنکه مجرم تلقی شود، فردی نیازمند حمایت، تربیت و بازپروری اجتماعی محسوب می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۶).

قانون‌گذار ایران نیز با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تحول قابل توجهی در سیاست کیفری مربوط به اطفال و نوجوانان ایجاد نمود. ماده ۸۸ این قانون، با فاصله گرفتن از سیاست کیفری مبتنی بر مجازات، تدابیر تربیتی، حمایتی و اصلاحی را جایگزین واکنش‌های کیفری سنتی کرده است (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲). در این ماده، دادگاه می‌تواند حسب مورد، طفل یا نوجوان بزهکار را به والدین تحویل دهد، از آنان تعهد به تربیت اخذ نماید، وی را تحت نظارت مددکار اجتماعی قرار دهد یا در موارد ضروری به قانون اصلاح و تربیت معرفی کند.

با وجود این تحول تقنینی، همچنان پرسش‌های مهم و چالش‌برانگیزی در حوزه مسئولیت کیفری اطفال وجود دارد؛ از جمله اینکه مبنای واقعی عدم مسئولیت کیفری اطفال چیست؟ آیا صرف نرسیدن به سن بلوغ شرعی برای رفع مسئولیت کیفری کافی است یا معیار اصلی باید رشد عقلی و قدرت درک طفل باشد؟ همچنین این پرسش مطرح می‌شود که آیا معیارهای مقرر در حقوق ایران با یافته‌های روان‌شناسی رشد و استانداردهای بین‌المللی حقوق کودک هماهنگی کامل دارد یا خیر؟

از سوی دیگر، میان سن بلوغ شرعی مقرر در فقه و معیارهای علمی روان‌شناسی رشد، اختلاف قابل توجهی مشاهده می‌شود. بسیاری از روان‌شناسان معتقدند که رشد کامل شخصیت و قدرت تصمیم‌گیری منطقی تا سال‌ها پس

زبان عربی، طفل به فردی اطلاق می‌شود که از زمان تولد تا پیش از بلوغ در مرحله کودکی قرار دارد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق). در زبان فارسی نیز طفل مترادف کودک و نابالغ به کار می‌رود.

ب) مفهوم طفل در فقه اسلامی

فقه اسلامی، طفل را شخصی می‌داند که به سن بلوغ شرعی نرسیده باشد. فقها مسئولیت کیفری و تکلیف شرعی را منوط به وجود سه شرط اساسی: بلوغ، عقل، و اختیار می‌دانند (محقق حلی، بی‌تا).

بر اساس فقه امامیه، طفل پیش از بلوغ فاقد تکلیف کیفری کامل است و اعمال ارتكابی وی موجب استحقاق مجازات‌های کامل کیفری نمی‌شود. مستند اصلی این دیدگاه، حدیث مشهور «رفع قلم» است: «رفع القلم عن الصبی حتی یحتلم» یعنی قلم تکلیف از کودک برداشته شده است تا زمانی که بالغ شود (امام خمینی، ۱۳۷۹). فقهای امامیه بلوغ را یکی از شرایط اساسی تحقق مسئولیت کیفری دانسته‌اند؛ زیرا پیش از بلوغ، قوه ادراک و قدرت تشخیص طفل کامل نشده و اراده وی از استحکام کافی برخوردار نیست.

ج) مفهوم طفل در حقوق ایران

در حقوق ایران، تعریف طفل عمدتاً مبتنی بر معیار بلوغ شرعی است. مطابق تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی: «سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است» (قانون مدنی، ۱۳۱۴).

همچنین قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، میان طفل و نوجوان تفکیک قائل شده و نظام مسئولیت کیفری افتراقی را

از بلوغ جسمانی ادامه دارد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷). این تعارض موجب شده است که برخی حقوقدانان، معیارهای فعلی مسئولیت کیفری اطفال در حقوق ایران را ناکافی یا نیازمند بازنگری بدانند.

علاوه بر این، الحاق ایران به کنوانسیون حقوق کودک و پذیرش اصول حمایت ویژه از اطفال، ضرورت بررسی میزان انطباق مقررات داخلی با اسناد بین‌المللی را دوجندان ساخته است. (United Nations, 1989) بر اساس این اسناد، کودکان باید از نظام عدالت کیفری افتراقی برخوردار باشند و بازداشت و مجازات آنان صرفاً به عنوان آخرین راهکار مورد استفاده قرار گیرد.

بنابراین، اهمیت بررسی مبانی عدم مسئولیت کیفری اطفال از آن جهت است که این موضوع در تقاطع حقوق کیفری، فقه اسلامی، روان‌شناسی رشد، جرم‌شناسی و حقوق بشر قرار دارد و تحلیل دقیق آن می‌تواند در اصلاح سیاست جنایی ایران و ارتقای نظام عدالت اطفال مؤثر واقع شود. پژوهش حاضر درصدد است با رویکردی تحلیلی، مبانی فقهی، حقوقی و جرم‌شناختی عدم مسئولیت کیفری اطفال مشمول ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی را بررسی نموده و نقاط قوت و چالش‌های موجود در این زمینه را تبیین نماید.

مفهوم طفل و مسئولیت کیفری

مفهوم طفل

الف) مفهوم لغوی طفل

واژه «طفل» در لغت به معنای کودک خردسال و انسانی است که هنوز به مرحله رشد و بلوغ کامل نرسیده است. در

پذیرفته است. بر اساس این قانون، اطفال و نوجوانان به سه گروه تقسیم می‌شوند:

۱. اطفال فاقد مسئولیت کیفری کامل؛

۲. نوجوانان دارای مسئولیت کیفری تخفیف‌یافته؛

۳. افراد بالغ دارای مسئولیت کیفری کامل.

این تقسیم‌بندی نشان‌دهنده توجه قانون‌گذار به وضعیت روانی و شخصیتی اطفال و نوجوانان است.

د) مفهوم طفل در حقوق بین‌الملل

کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، کودک را هر انسان زیر ۱۸ سال تعریف می‌کند؛ مگر اینکه طبق قانون داخلی کشورها، سن بلوغ کمتر تعیین شده باشد. (United Nations, 1989) اسناد بین‌المللی حقوق کودک بر ضرورت حمایت ویژه از کودکان و برخورد متفاوت نظام عدالت کیفری با آنان تأکید دارند. بر همین اساس، اصل «عدالت کیفری افتراقی اطفال» در بسیاری از نظام‌های حقوقی جهان پذیرفته شده است.

مفهوم مسئولیت کیفری

الف) تعریف مسئولیت کیفری

مسئولیت کیفری عبارت است از قابلیت انتساب رفتار مجرمانه به شخص به نحوی که بتوان وی را مستحق تحمل واکنش کیفری دانست (اردبیلی، ۱۳۹۸). به عبارت دیگر، زمانی می‌توان شخصی را مسئول جرم دانست که: رفتار مجرمانه را با اراده انجام داده باشد؛ ماهیت عمل و نتایج آن را درک کند؛ و قدرت تشخیص و اختیار داشته باشد. در صورت

فقدان هر یک از این شرایط، مسئولیت کیفری به طور کامل یا نسبی منتفی خواهد شد.

ب) ارکان مسئولیت کیفری

حقوقدانان برای تحقق مسئولیت کیفری ارکان مختلفی بیان کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. قوه ادراک و تمیز

مراد از ادراک، توانایی فهم ماهیت عمل و نتایج آن است. شخص باید بتواند خوب و بد بودن رفتار خود را تشخیص دهد (کاتوزیان، ۱۳۹۶). اطفال به دلیل عدم رشد کامل ذهنی، غالباً فاقد چنین قدرتی هستند یا این توانایی در آنان به صورت ناقص وجود دارد.

۲. اختیار و اراده آزاد

تحقق مسئولیت کیفری مستلزم انجام آزادانه رفتار است. اگر شخص تحت اجبار یا اکراه شدید باشد، مسئولیت کیفری کاهش یافته یا از بین می‌رود (شامبیانی، ۱۳۹۵). در مورد اطفال نیز اراده آنان به دلیل تأثیرپذیری شدید از محیط و خانواده، هنوز استقلال کامل نیافته است.

۳. بلوغ کیفری

بلوغ کیفری به معنای رسیدن شخص به مرحله‌ای است که بتواند نتایج اعمال خود را به صورت عقلانی تحلیل کند. در حقوق ایران، بلوغ کیفری عمدتاً بر اساس معیار شرعی تعیین شده است؛ اما بسیاری از جرم‌شناسان معتقدند بلوغ جسمانی لزوماً به معنای بلوغ فکری و روانی نیست (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲).

رابطه طفل و مسئولیت کیفری

یکی از مهم‌ترین مباحث حقوق کیفری، تعیین رابطه میان کودکی و مسئولیت کیفری است. هرچه سن طفل کمتر باشد، میزان ادراک، اختیار و قدرت تحلیل وی نیز محدودتر خواهد بود. از این‌رو، حقوق کیفری نوین اصل «کاهش یا فقدان مسئولیت کیفری اطفال» را پذیرفته است. بر اساس دیدگاه جرم‌شناسی، کودک بزهکار غالباً محصول شرایط اجتماعی، خانوادگی و محیطی است و رفتار مجرمانه وی بیش از آنکه ناشی از سوءنیت مجرمانه باشد، نتیجه ضعف تربیتی و شرایط نامناسب رشد است (گسن، ۲۰۰۶). به همین دلیل، واکنش مناسب نسبت به بزهکاری اطفال باید اصلاحی و تربیتی باشد، نه صرفاً تنبیهی. ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی نیز در همین راستا تدوین شده و به جای مجازات‌های شدید، بر تدابیر حمایتی و تربیتی تأکید کرده است (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲).

تحلیل حقوقی مفهوم طفل در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی را می‌توان جلوه‌ای از سیاست جنایی افتراقی در قبال اطفال دانست. قانون‌گذار در این ماده، طفل بزهکار را نه یک مجرم حرفه‌ای، بلکه شخصی نیازمند حمایت، آموزش و بازپروری تلقی نموده است.

بر همین اساس، واکنش‌های مقرر در ماده ۸۸ ماهیت اصلاحی دارند؛ از جمله: تسلیم طفل به والدین، اخذ تعهد به تربیت، نظارت مددکار اجتماعی و نگهداری در کانون اصلاح و تربیت. این تدابیر نشان می‌دهد که هدف اصلی قانون‌گذار، بازاجتماعی کردن طفل و جلوگیری از تبدیل وی به مجرم حرفه‌ای در آینده است.

بررسی ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی

ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی یکی از مهم‌ترین مقررات مربوط به نظام عدالت کیفری اطفال و نوجوانان در حقوق ایران محسوب می‌شود. این ماده را می‌توان جلوه‌ای از «سیاست جنایی افتراقی» دانست؛ بدین معنا که قانون‌گذار برای اطفال و نوجوانان، نظامی متفاوت از بزرگسالان در نظر گرفته است (اردبیلی، ۱۳۹۸).

در حقوق کیفری سنتی، واکنش نسبت به جرم عمدتاً مبتنی بر مجازات و تنبیه بود؛ اما در حقوق کیفری نوین، به ویژه در حوزه اطفال، هدف اصلی اصلاح، تربیت و بازاجتماعی کردن طفل بزهکار است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲). ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی نیز دقیقاً بر همین مبنا تدوین شده است.

متن و فلسفه ماده ۸۸

ماده ۸۸ مقرر می‌دارد که درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند، دادگاه می‌تواند حسب مورد تصمیماتی از قبیل: تسلیم طفل یا نوجوان به والدین یا سرپرست قانونی؛ اخذ تعهد به تأدیب و تربیت؛ معرفی به مددکار اجتماعی یا روان‌شناس؛ فرستادن به کانون اصلاح و تربیت؛ یا انجام اقدامات آموزشی و تربیتی اتخاذ نماید (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲).

فلسفه اصلی این ماده آن است که طفل بزهکار، بیش از آنکه مجرم حرفه‌ای باشد، فردی در حال رشد و نیازمند حمایت تلقی می‌شود. بنابراین واکنش کیفری نسبت به وی باید ماهیت تربیتی و حمایتی داشته باشد، نه صرفاً تنبیهی.

اهداف ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی

۱. حمایت از شخصیت در حال رشد طفل

یکی از مهم‌ترین اهداف ماده ۸۸، حمایت از شخصیت ناپخته و در حال شکل‌گیری طفل است. جرم‌شناسان معتقدند که شخصیت کودک هنوز تثبیت نشده و امکان اصلاح وی بسیار بیشتر از بزرگسالان است (گسن، ۲۰۰۶).

به همین دلیل، قانون‌گذار تلاش کرده است تا طفل وارد چرخه مجرمان حرفه‌ای نشود. مثلاً اگر نوجوان ۱۳ ساله‌ای تحت تأثیر دوستان خود مرتکب تخریب جزئی اموال عمومی شود، دادگاه به جای صدور حکم حبس، می‌تواند وی را به والدین تحویل داده و آنان را مکلف به مراقبت و تربیت نماید.

۲. جایگزینی تربیت به جای مجازات

ماده ۸۸ نشان‌دهنده تغییر نگرش قانون‌گذار از «تنبیه» به «اصلاح» است. در این رویکرد، هدف اصلی آن است که کودک آثار منفی جرم را درک کرده و بدون ورود به محیط‌های آسیب‌زا اصلاح شود. مثلاً فرض کنیم نوجوانی ۱۴ ساله مرتکب سرقت جزئی از فروشگاه شده است. دادگاه ممکن است: او را ملزم به شرکت در جلسات مشاوره، یا آموزش مهارت‌های اجتماعی و یا معرفی به مددکار اجتماعی نماید؛ نه اینکه مستقیماً حکم حبس صادر کند.

۳. جلوگیری از برچسب‌زنی کیفری

یکی از نظریات مهم جرم‌شناسی، «نظریه برچسب‌زنی» است. بر اساس این نظریه، اگر کودک در سنین پایین وارد محیط کیفری و زندان شود، ممکن است هویت مجرمانه در او شکل بگیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲). ماده ۸۸ تلاش

می‌کند حتی‌الامکان از ورود طفل به محیط‌های کیفری جلوگیری نماید.

مثلاً اگر کودک ۱۲ ساله‌ای در نزاع خیابانی شرکت کند، فرستادن وی به زندان می‌تواند موجب آشنایی او با بزهکاران حرفه‌ای شود؛ بنابراین دادگاه ترجیح می‌دهد از تدابیر تربیتی استفاده کند.

تدابیر پیش‌بینی‌شده در ماده ۸۸

الف) تسلیم طفل به والدین یا سرپرست قانونی

دادگاه می‌تواند طفل را به والدین تحویل دهد و از آنان تعهد بگیرد که: در تربیت وی تلاش کنند؛ بر رفتار او نظارت داشته باشند؛ و از تکرار جرم جلوگیری نمایند. این شیوه زمانی استفاده می‌شود که محیط خانوادگی سالم و مناسب باشد.

مثلاً نوجوانی ۱۲ ساله در مدرسه مرتکب ضرب و جرح خفیف همکلاسی خود شده است. دادگاه با توجه به وضعیت مناسب خانوادگی، وی را به والدین تحویل می‌دهد.

ب) اخذ تعهد به تأدیب و تربیت

گاهی دادگاه از والدین یا سرپرست طفل تعهد رسمی اخذ می‌کند که: رفتار طفل را کنترل نمایند؛ وی را تحت آموزش و مشاوره قرار دهند؛ و از معاشرت‌های نامناسب جلوگیری کنند. این اقدام نوعی نظارت غیرمستقیم قضایی بر فرآیند تربیت طفل است.

ج) معرفی به مددکار اجتماعی یا روان‌شناس

ماده ۸۸ به قاضی اختیار داده است که متناسب با شرایط طفل، بهترین تدبیر تربیتی را انتخاب کند. این انعطاف پذیری یکی از نقاط قوت قانون محسوب می‌شود.

۳. تأثیرپذیری از اسناد بین‌المللی

ماده ۸۸ تا حد زیادی متأثر از: کنوانسیون حقوق کودک، و قواعد پکن درباره دادرسی اطفال است (United Nations, 1989).

این اسناد بر اصل «منافع عالی‌ه کودک» تأکید دارند.

نقد ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی

با وجود مزایای فراوان، ماده ۸۸ با چالش‌هایی نیز مواجه است:

۱. ابهام در معیار رشد عقلی

قانون معیار دقیقی برای تشخیص میزان رشد فکری طفل ارائه نکرده است.

۲. کمبود امکانات اجرایی

در برخی مناطق، امکانات کافی مانند: مددکار اجتماعی، روان‌شناس، یا قانون اصلاح و تربیت استاندارد وجود ندارد.

۳. تفاوت بلوغ شرعی و بلوغ روانی

بسیاری از حقوقدانان معتقدند که بلوغ شرعی لزوماً به معنای رشد فکری و روانی کامل نیست (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷). لذا ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی را می‌توان یکی از مترقی‌ترین مقررات حقوق کیفری اطفال در نظام حقوقی

در بسیاری از موارد، ریشه بزهکاری طفل ناشی از مشکلات خانوادگی، روانی یا اجتماعی است. به همین دلیل، ماده ۸۸ استفاده از متخصصان علوم تربیتی و روان‌شناسی را پیش‌بینی نموده است.

مثلاً اگر نوجوانی به دلیل خشونت خانوادگی دچار رفتارهای پرخطر شده باشد، دادگاه می‌تواند وی را به روان‌شناس یا مددکار اجتماعی معرفی کند.

د) نگهداری در قانون اصلاح و تربیت

این اقدام شدیدترین واکنش پیش‌بینی‌شده در ماده ۸۸ است و معمولاً زمانی اعمال می‌شود که: جرم ارتكابی مهم باشد؛ محیط خانوادگی نامناسب باشد؛ یا احتمال تکرار جرم وجود داشته باشد. قانون اصلاح و تربیت، برخلاف زندان، ماهیت آموزشی و تربیتی دارد. مثلاً اگر نوجوان ۱۵ ساله‌ای به صورت مکرر مرتکب سرقت یا خشونت خیابانی شده و خانواده وی نیز فاقد صلاحیت تربیتی باشند، دادگاه ممکن است دستور نگهداری موقت او در قانون اصلاح و تربیت را صادر کند.

ویژگی‌های مهم ماده ۸۸

۱. فردی کردن واکنش کیفری

قاضی باید: سن طفل، وضعیت خانوادگی، شخصیت، میزان رشد عقلی، و شرایط اجتماعی را در تصمیم‌گیری لحاظ کند (آشوری، ۱۳۹۱). بنابراین تصمیم دادگاه درباره هر طفل می‌تواند متفاوت باشد.

۲. انعطاف‌پذیری قضایی

مهم‌ترین مبنای عدم مسئولیت کیفری اطفال، فقدان رشد کامل عقلانی و قوه تمیز است. مسئولیت کیفری زمانی تحقق می‌یابد که شخص بتواند: ماهیت عمل خود را درک کند؛ نتایج رفتار خود را پیش‌بینی نماید؛ و میان خوب و بد تمایز قائل شود (کاتوزیان، ۱۳۹۶). اطفال، به ویژه در سنین پایین، هنوز از چنین توانایی کاملی برخوردار نیستند. قدرت تحلیل منطقی، کنترل هیجانات و پیش‌بینی نتایج رفتار در کودکان به تدریج شکل می‌گیرد و تا سال‌ها پس از بلوغ جسمانی نیز ادامه می‌یابد.

روان‌شناسان رشد معتقدند که شخصیت کودک در مرحله شکل‌گیری است و رفتار وی غالباً تحت تأثیر: هیجانات، تقلید، فشار همسالان، و شرایط محیطی قرار دارد (گسن، ۲۰۰۶). مثلاً کودکی ۱۰ ساله ممکن است بدون درک واقعی از مفهوم مالکیت، وسیله‌ای را از مغازه بردارد. هرچند عمل او از نظر ظاهری سرقت است، اما به دلیل فقدان درک کامل از آثار حقوقی و اخلاقی رفتار، مسئولیت کیفری کامل بر وی بار نمی‌شود.

ب) ضعف اراده و اختیار کامل

یکی دیگر از شرایط مسئولیت کیفری، وجود اراده آزاد و اختیار است. اطفال به دلیل وابستگی شدید به خانواده و محیط، هنوز از استقلال اراده کافی برخوردار نیستند (شامبیاتی، ۱۳۹۵).

بسیاری از رفتارهای مجرمانه اطفال ناشی از: تحریک دیگران، تقلید از دوستان، فشار گروهی، یا محیط خانوادگی نامناسب است.

ایران دانست. این ماده با فاصله گرفتن از سیاست تنبیهی، بر اصلاح، تربیت و بازاجتماعی کردن طفل بزهکار تأکید نموده است. رویکرد حمایتی ماده ۸۸ نشان می‌دهد که قانون‌گذار طفل را فردی قابل اصلاح می‌داند که باید از طریق آموزش، حمایت خانوادگی و مداخلات تربیتی به جامعه بازگردد، نه اینکه صرفاً مجازات شود.

مبنای عدم مسئولیت کیفری اطفال

عدم مسئولیت کیفری اطفال یکی از مهم‌ترین مباحث حقوق کیفری اطفال و نوجوانان محسوب می‌شود. این اصل بر این مبنا استوار است که کودک، به علت عدم رشد کامل عقلانی، روانی و شخصیتی، همانند یک فرد بالغ توانایی درک ماهیت رفتار مجرمانه و آثار آن را ندارد؛ بنابراین نمی‌توان همان مسئولیتی را که برای بزرگسالان در نظر گرفته می‌شود، بر وی تحمیل نمود (اردبیلی، ۱۳۹۸).

در حقوق کیفری نوین، اطفال به عنوان افرادی در حال رشد شناخته می‌شوند که بیش از مجازات، نیازمند حمایت، تربیت و بازپروری اجتماعی هستند. به همین دلیل، نظام‌های حقوقی مختلف با پذیرش اصل «عدالت کیفری افتراقی»، برای اطفال مقررات ویژه‌ای وضع کرده‌اند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲). در حقوق ایران نیز ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی بر همین مبنا تدوین شده و به جای مجازات‌های سنگین، تدابیر اصلاحی و تربیتی را پیش‌بینی نموده است.

۱. مبنای عقلی و روان‌شناختی عدم مسئولیت کیفری اطفال

الف) عدم تکامل قوه ادراک و تمیز

مثال: اگر نوجوانی تحت تأثیر دوستان خود در یک نزاع خیابانی شرکت کند، میزان استقلال اراده و قدرت تصمیم‌گیری او با یک فرد بالغ قابل مقایسه نیست.

۲. مبانی فقهی عدم مسئولیت کیفری اطفال

فقه اسلامی یکی از مهم‌ترین منابع حقوق کیفری ایران است و عدم مسئولیت کیفری اطفال در فقه دارای سابقه‌ای طولانی می‌باشد.

الف) شرط بلوغ در مسئولیت کیفری

فقه‌های امامیه تحقق مسئولیت کیفری را منوط به: بلوغ، عقل، و اختیار دانسته‌اند (محقق حلی، بی‌تا). بر این اساس، طفل پیش از بلوغ شرعی، مکلف به تکالیف کیفری کامل نیست.

ب) حدیث رفع قلم

مهم‌ترین مستند فقهی عدم مسئولیت کیفری اطفال، حدیث مشهور «رفع قلم» است: «رفع القلم عن الصبی حتی یحتلم» یعنی قلم تکلیف از کودک برداشته شده تا زمانی که بالغ شود (امام خمینی، ۱۳۷۹).

فقه‌ها از این روایت چنین استنباط کرده‌اند که طفل پیش از بلوغ، فاقد اهلیت کامل برای تحمل مسئولیت کیفری است.

ج) اصل احتیاط در حدود و مجازات‌ها

در فقه اسلامی، اصل بر احتیاط در اعمال مجازات‌ها به ویژه حدود و قصاص است. به همین دلیل، در موارد تردید نسبت به رشد عقلی طفل، اصل بر عدم اعمال مجازات شدید است

(شهید ثانی، بی‌تا). این اصل نشان‌دهنده رویکرد حمایتی فقه نسبت به کودکان است.

۳. مبانی جرم‌شناختی عدم مسئولیت کیفری اطفال

جرم‌شناسی نوین معتقد است که بزهکاری اطفال بیشتر ناشی از عوامل اجتماعی و محیطی است تا سوءنیت مجرمانه.

الف) نقش محیط خانوادگی

بسیاری از اطفال بزهکار در محیط‌های: فقیر، پرتنش، خشونت‌آمیز، یا فاقد نظارت تربیتی رشد می‌کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲). بنابراین، بزهکاری طفل غالباً نتیجه ضعف تربیتی و اجتماعی است، نه شخصیت مجرمانه. مثلاً کودکی که در خانواده‌ای معتاد و خشن زندگی می‌کند، ممکن است رفتارهای پرخطرانه یا سرقت را از محیط خود بیاموزد.

ب) قابلیت بالای اصلاح‌پذیری اطفال

یکی از مهم‌ترین دلایل عدم مسئولیت کیفری شدید اطفال، قابلیت بالای اصلاح آنان است. برخلاف مجرمان حرفه‌ای، شخصیت کودک هنوز تثبیت نشده و امکان بازاجتماعی شدن وی بسیار زیاد است. به همین دلیل، حقوق کیفری نوین تلاش می‌کند کودک را از محیط‌های مجرمانه دور نگه دارد. مثلاً نوجوانی که برای نخستین بار مرتکب تخریب اموال شده، با مشاوره و حمایت خانوادگی ممکن است کاملاً اصلاح شود؛ در حالی که زندان می‌تواند او را به سمت بزهکاری حرفه‌ای سوق دهد.

۴. مبانی حقوق بشری و بین‌المللی

اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز بر حمایت ویژه از اطفال تأکید دارند.

الف) کنوانسیون حقوق کودک

کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ مقرر می‌دارد که کودکان باید از نظام عدالت کیفری ویژه برخوردار باشند و بازداشت آنان آخرین راهکار باشد. (United Nations, 1989) این کنوانسیون بر اصول زیر تأکید دارد: حفظ کرامت کودک، رعایت منافع عالی‌ه طفل، اصلاح و بازپروری، و جلوگیری از برچسب‌زنی کیفری.

ب) قواعد پکن

قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل برای دادرسی اطفال (قواعد پکن) نیز بر ضرورت استفاده از تدابیر غیر کیفری نسبت به اطفال تأکید می‌کند.

۵. مبانی اجتماعی عدم مسئولیت کیفری اطفال

جامعه‌شناسان معتقدند کودک هنوز عضو کامل و مستقل جامعه محسوب نمی‌شود و رفتار او شدیداً تحت تأثیر نهادهای اجتماعی است. در نتیجه: خانواده، مدرسه، رسانه، و محیط اجتماعی در شکل‌گیری رفتار طفل نقش اساسی دارند. از این منظر، جامعه نیز در قبال بزهکاری اطفال دارای مسئولیت است و نباید تمام بار مسئولیت بر دوش کودک قرار گیرد.

۶. مبانی سیاست جنایی افتراقی

یکی از مهم‌ترین مبانی عدم مسئولیت کیفری اطفال، اصل «سیاست جنایی افتراقی» است. مطابق این اصل، همه بزهکاران نباید به یک شکل مورد برخورد قرار گیرند. اطفال

به دلیل وضعیت خاص سنی و روانی نیازمند: دادرسی ویژه، حمایت تربیتی و واکنش کیفری متفاوت هستند (آشوری، ۱۳۹۱). ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی نیز بر همین مبنا تنظیم شده است.

تحلیل نهایی

عدم مسئولیت کیفری اطفال صرفاً یک ارفاق قانونی نیست؛ بلکه مبتنی بر مجموعه‌ای از مبانی: عقلی، فقهی، روان‌شناختی، جرم‌شناختی، اجتماعی و حقوق بشری است. قانون‌گذار ایران با تصویب ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی، تلاش نموده است میان: حفظ نظم عمومی، حمایت از جامعه، و رعایت حقوق و شخصیت طفل تعادل برقرار کند. لذا اطفال به دلیل عدم رشد کامل عقلانی، ضعف اراده، تأثیرپذیری محیطی و قابلیت بالای اصلاح‌پذیری، فاقد مسئولیت کیفری کامل شناخته می‌شوند. فقه اسلامی، جرم‌شناسی نوین و اسناد بین‌المللی همگی بر ضرورت برخورد حمایتی و تربیتی با اطفال تأکید دارند. ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی نیز با الهام از همین مبانی، رویکردی اصلاحی و حمایتی نسبت به اطفال اتخاذ نموده و به جای مجازات‌های شدید، تدابیر تربیتی و بازپرورانه را پیش‌بینی کرده است.

۲. مبانی فقهی

در فقه اسلامی، مسئولیت کیفری منوط به بلوغ، عقل و اختیار است (محقق حلی، بی‌تا). حدیث مشهور «رفع قلم» مهم‌ترین مستند فقهی عدم مسئولیت کیفری اطفال محسوب می‌شود: رفع القلم عن الصبی حتی یحتلم

بر اساس این اصل، طفل پیش از بلوغ شرعی فاقد مسئولیت کیفری کامل است (امام خمینی، ۱۳۷۹).

۳. اصل فردی کردن مجازات

یکی از اصول مهم حقوق کیفری مدرن، اصل فردی کردن مجازات است. مطابق این اصل، وضعیت روانی، اجتماعی و شخصیتی مرتکب باید در تعیین واکنش کیفری مورد توجه قرار گیرد (آشوری، ۱۳۹۱).

اطفال به دلیل ویژگی‌های خاص سنی و تربیتی، نیازمند واکنش متفاوتی نسبت به بزرگسالان هستند. ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی نیز در همین راستا تدوین شده است.

۴. اهداف اصلاحی و تربیتی

هدف اصلی حقوق کیفری اطفال، اصلاح و بازاجتماعی کردن کودک است. جرم‌شناسان معتقدند اعمال مجازات‌های سخت می‌تواند موجب تشدید بزهکاری و برچسب‌زنی اجتماعی شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲).

به همین دلیل، قانون‌گذار استفاده از تدابیر حمایتی و تربیتی را جایگزین مجازات‌های سنتی نموده است.

۵. تأثیر اسناد بین‌المللی

کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ بر ضرورت حمایت ویژه از کودکان بزهکار تأکید دارد. (United Nations, 1989) این کنوانسیون مقرر می‌دارد که بازداشت و حبس کودکان باید آخرین راهکار باشد.

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز تا حدی متأثر از همین رویکرد حمایتی تدوین شده است.

رویکرد جرم‌شناختی به بزهکاری اطفال

جرم‌شناسان، بزهکاری اطفال را بیشتر ناشی از عوامل محیطی و اجتماعی می‌دانند؛ از جمله: فقر، نابسامانی خانوادگی، خشونت و معاشرت با بزهکاران (گسن، ۲۰۰۶).

در نتیجه، واکنش مناسب نسبت به اطفال باید اصلاح محیط اجتماعی و تربیتی آنان باشد، نه صرفاً اعمال مجازات.

نقد و بررسی ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی

ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی را می‌توان یکی از مهم‌ترین و در عین حال بحث‌برانگیزترین مقررات حقوق کیفری اطفال در نظام حقوقی ایران دانست. این ماده نسبت به قوانین سابق، تحول قابل توجهی در سیاست جنایی ایران ایجاد کرده و با تأکید بر اصلاح، تربیت و حمایت از اطفال، رویکردی نسبتاً مترقی اتخاذ نموده است. با این حال، در کنار نقاط قوت، این ماده با چالش‌ها، ابهامات و کاستی‌هایی نیز مواجه است که در حوزه نظری و اجرایی قابل نقد و بررسی می‌باشد.

بخش اول: نقاط قوت ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی

۱. تغییر رویکرد از مجازات‌محوری به تربیت‌محوری

مهم‌ترین نقطه قوت ماده ۸۸، فاصله گرفتن قانون‌گذار از نگرش سنتی مبتنی بر تنبیه و حرکت به سوی سیاست اصلاحی و تربیتی است (اردبیلی، ۱۳۹۸).

از دیدگاه جرم‌شناسی، ورود زود هنگام کودک به نظام کیفری می‌تواند موجب شکل‌گیری «هویت مجرمانه» در وی شود (گسن، ۲۰۰۶).

ماده ۸۸ تلاش کرده است حتی‌الامکان طفل را از: زندان، فرآیندهای شدید کیفری و معاشرت با مجرمان حرفه‌ای دور نگه دارد. این رویکرد با نظریه «برچسب‌زنی» در جرم‌شناسی هماهنگ است.

۴. هماهنگی نسبی با اسناد بین‌المللی

ماده ۸۸ تا حدی با: کنوانسیون حقوق کودک، قواعد پکن نو اصول عدالت ترمیمی هماهنگ است (United Nations, 1989).

این اسناد بر: منافع عالی‌ه کودک، حداقل استفاده از بازداشت، و اولویت اصلاح بر مجازات تأکید دارند.

۵. توجه به نقش خانواده در اصلاح طفل

قانون‌گذار در ماده ۸۸ خانواده را مهم‌ترین نهاد تربیتی طفل دانسته است. به همین دلیل، یکی از مهم‌ترین تدابیر پیش‌بینی‌شده، تحویل طفل به والدین همراه با اخذ تعهد تربیتی است. این امر نشان می‌دهد که قانون‌گذار اصلاح طفل را در بستر خانواده مؤثرتر از محیط کیفری می‌داند.

بخش دوم: نقاط ضعف و چالش‌های ماده ۸۸

۱. ابهام در معیار رشد عقلی

یکی از مهم‌ترین ایرادات ماده ۸۸، عدم ارائه معیار دقیق برای تشخیص «رشد عقلی» طفل است. هرچند قانون‌گذار به

در قوانین قدیمی، تمرکز اصلی بر مجازات بزهکار بود؛ اما ماده ۸۸ طفل بزهکار را شخصی در حال رشد تلقی می‌کند که نیازمند: آموزش، حمایت روانی، اصلاح رفتاری و بازپروری اجتماعی است. این تحول نشان‌دهنده تأثیر جرم‌شناسی نوین و نظریات دفاع اجتماعی بر سیاست کیفری ایران است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲).

مثال: اگر نوجوانی ۱۳ ساله مرتکب تخریب جزئی اموال عمومی شود، دادگاه به جای صدور حکم حبس، می‌تواند وی را به والدین تحویل داده و او را تحت مشاوره تربیتی قرار دهد. این اقدام از آسیب‌های ناشی از زندان جلوگیری می‌کند.

۲. پذیرش اصل فردی کردن واکنش کیفری

یکی دیگر از ویژگی‌های مثبت ماده ۸۸، پذیرش اصل «فردی کردن واکنش کیفری» است (آشوری، ۱۳۹۱).

بر اساس این اصل، قاضی باید شرایط خاص هر طفل را در نظر بگیرد؛ از جمله: سن، وضعیت خانوادگی، سطح رشد عقلی، شخصیت، سوابق رفتاری و شرایط اجتماعی. در نتیجه، واکنش قضایی نسبت به اطفال یکسان و خشک نیست.

مثال: دو نوجوان ممکن است مرتکب جرم مشابهی شوند؛ اما یکی در خانواده‌ای سالم زندگی کند و دیگری در محیطی آسیب‌زا و خشن. قاضی می‌تواند برای هر یک تصمیم متفاوتی اتخاذ نماید.

۳. جلوگیری از برچسب‌زنی کیفری

قانون به طور کامل تحقق نیابد. به عنوان مثال: دادگاه ممکن است دستور معرفی طفل به مددکار اجتماعی را صادر کند؛ اما در عمل، در آن منطقه مددکار متخصص وجود نداشته باشد.

۴. احتمال اعمال سلیقه شخصی قضات

به دلیل گستردگی اختیارات قاضی در ماده ۸۸، احتمال تفاوت شدید در تصمیمات قضایی وجود دارد.

برخی قضات ممکن است: رویکردی کاملاً حمایتی، و برخی دیگر نگرشی سخت‌گیرانه داشته باشند. این موضوع می‌تواند اصل عدالت قضایی و وحدت رویه را تحت تأثیر قرار دهد.

۵. ناکافی بودن حمایت‌های پس از آزادی

یکی از ضعف‌های مهم ماده ۸۸ آن است که بیشتر بر مرحله رسیدگی و واکنش اولیه تمرکز دارد و نظام جامع حمایت پس از آزادی طفل را پیش‌بینی نکرده است. در حالی که بسیاری از اطفال بزهکار پس از بازگشت به جامعه نیازمند: حمایت روانی، آموزش، اشتغال و نظارت اجتماعی هستند. نبود این حمایت‌ها می‌تواند موجب تکرار جرم شود.

۶. ضعف در توسعه عدالت ترمیمی

هرچند ماده ۸۸ تا حدودی به سمت عدالت ترمیمی حرکت کرده، اما هنوز ظرفیت‌های: میانجیگری، جبران خسارت، مشارکت بزه‌دیده و مصالحه اجتماعی به طور کامل در آن توسعه نیافته است. در بسیاری از نظام‌های حقوقی پیشرفته، تلاش می‌شود طفل: مسئولیت رفتار خود را بپذیرد، خسارت بزه‌دیده را جبران کند، و از طریق گفت‌وگو اصلاح شود.

نوعی به وضعیت روانی طفل توجه کرده، اما مشخص نکرده است که: معیار تشخیص رشد چیست؟ چه مرجعی باید آن را ارزیابی کند؟ و آیا ملاک، رشد عقلی، روانی یا اجتماعی است؟ این ابهام می‌تواند موجب صدور آرای متفاوت و سلیقه‌ای شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷). مثلاً: ممکن است دو قاضی درباره دو نوجوان هم‌سن، تصمیم‌های کاملاً متفاوتی اتخاذ کنند؛ زیرا معیار مشخصی برای سنجش رشد عقلی وجود ندارد.

۲. تعارض میان بلوغ شرعی و بلوغ روانی

در حقوق ایران، مسئولیت کیفری تا حد زیادی بر مبنای بلوغ شرعی تعیین می‌شود؛ در حالی که روان‌شناسان معتقدند رشد فکری و قدرت تصمیم‌گیری منطقی تا سال‌ها پس از بلوغ جسمانی ادامه دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۶). این موضوع یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوق کیفری اطفال در ایران است.

نقد اساسی:

ممکن است نوجوانی از نظر شرعی بالغ شناخته شود؛ اما از نظر روانی و عقلی هنوز توانایی درک کامل آثار رفتار خود را نداشته باشد.

۳. ضعف زیرساخت‌های اجرایی

اجرای صحیح ماده ۸۸ نیازمند: روان‌شناس، مددکار اجتماعی، مراکز مشاوره تخصصی و کانون‌های اصلاح و تربیت استاندارد

است. در بسیاری از مناطق کشور، این امکانات به اندازه کافی وجود ندارد و همین موضوع موجب می‌شود اهداف اصلاحی

تحلیل تطبیقی و جرم‌شناختی

از دیدگاه جرم‌شناسی، ماده ۸۸ گامی مثبت در جهت کاهش آثار مخرب زندان بر اطفال محسوب می‌شود. تحقیقات نشان داده‌اند که حبس کودکان در کنار مجرمان حرفه‌ای، احتمال تکرار جرم را افزایش می‌دهد (گسن، ۲۰۰۶). با این حال، موفقیت واقعی این ماده وابسته به: کیفیت اجرای آن، تخصص قضات، همکاری خانواده‌ها و توسعه نهادهای حمایتی است.

پیشنهادهای اصلاحی

برای افزایش کارآمدی ماده ۸۸، می‌توان پیشنهادهای زیر را مطرح نمود:

۱. تعیین معیارهای دقیق‌تر برای تشخیص رشد عقلی طفل؛
۲. گسترش مراکز مشاوره و مددکاری تخصصی؛
۳. آموزش تخصصی قضات اطفال؛
۴. توسعه عدالت ترمیمی و میانجیگری؛
۵. تقویت حمایت‌های پس از آزادی؛
۶. هماهنگ‌سازی بیشتر مقررات داخلی با استانداردهای بین‌المللی حقوق کودک.

نتیجه‌گیری

مسئولیت کیفری در نظام‌های حقوقی مبتنی بر این اصل بنیادین استوار است که مرتکب جرم باید از قدرت ادراک، اختیار، اراده آزاد و توانایی تشخیص ماهیت رفتار خویش برخوردار باشد؛ بنابراین، هرگاه شخص به دلیل وضعیت سنی، روانی یا عقلی فاقد چنین شرایطی باشد، انتساب مسئولیت

کیفری کامل به وی با اصول عدالت کیفری و انصاف حقوقی سازگار نخواهد بود (اردبیلی، ۱۳۹۸). اطفال و نوجوانان به دلیل عدم تکامل شخصیت، رشد ناقص عقلانی و تأثیرپذیری شدید از محیط اجتماعی و خانوادگی، در زمره افرادی قرار می‌گیرند که مسئولیت کیفری آنان باید با رویکردی متفاوت از بزرگسالان مورد بررسی قرار گیرد.

پژوهش حاضر نشان داد که مبانی عدم مسئولیت کیفری اطفال در حقوق ایران صرفاً یک ارفاق تقنینی یا سیاست حمایتی ساده نیست، بلکه ریشه در مجموعه‌ای از مبانی عمیق: فقهی، حقوقی، جرم‌شناختی، روان‌شناختی، اجتماعی و حقوق بشری دارد. در فقه اسلامی، مسئولیت کیفری منوط به بلوغ، عقل و اختیار دانسته شده و حدیث مشهور «رفع قلم» به عنوان مهم‌ترین مستند فقهی، طفل را تا پیش از حصول بلوغ و رشد کافی، خارج از قلمرو تکلیف کیفری کامل قرار داده است (امام خمینی، ۱۳۷۹). این مبنا نشان می‌دهد که فقه اسلامی نیز در ذات خود، رویکردی احتیاط‌آمیز و حمایتی نسبت به کودکان داشته و اصل را بر حمایت از شخصیت در حال رشد طفل قرار داده است.

از منظر جرم‌شناسی و روان‌شناسی رشد نیز مشخص گردید که بسیاری از رفتارهای مجرمانه اطفال، نه ناشی از سوءنیت مجرمانه کامل، بلکه نتیجه عواملی نظیر: ضعف تربیتی، نابسامانی خانوادگی، فقر فرهنگی و اقتصادی، فشار محیط اجتماعی، هیجانات دوران نوجوانی، و تأثیرپذیری از گروه همسالان است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲). به همین دلیل، حقوق کیفری نوین بر این باور است که طفل بزهکار بیش از آنکه مجرم حرفه‌ای تلقی شود، فردی نیازمند حمایت، درمان، آموزش و بازپروری اجتماعی است.

(کاتوزیان، ۱۳۹۶). بنابراین، اتکای صرف به معیار بلوغ شرعی ممکن است در برخی موارد با واقعیت‌های علمی و روان‌شناختی سازگار نباشد.

همچنین، موفقیت عملی ماده ۸۸ تا حد زیادی وابسته به وجود زیرساخت‌های تخصصی و حمایتی است؛ در حالی که در بسیاری از مناطق کشور، کمبود: روان‌شناس متخصص اطفال، مددکار اجتماعی، مراکز بازپروری استاندارد و نهادهای حمایت پس از آزادی مشاهده می‌شود. بدون وجود این زیرساخت‌ها، اهداف اصلاحی و تربیتی قانون به طور کامل تحقق نخواهد یافت.

در بعد بین‌المللی نیز می‌توان گفت که ماده ۸۸ تا حد زیادی تحت تأثیر اسناد بین‌المللی حقوق کودک، به ویژه کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، تدوین شده است. اصولی نظیر: رعایت منافع عالی کودک، حداقل استفاده از بازداشت، حفظ کرامت انسانی طفل، و اولویت اصلاح بر تنبیه در این ماده قابل مشاهده است. (United Nations, 1989) این امر نشان می‌دهد که سیاست کیفری ایران در حوزه اطفال، به تدریج به سمت پذیرش استانداردهای نوین عدالت کیفری حرکت کرده است.

در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که عدم مسئولیت کیفری اطفال، محصول نگرشی انسانی، علمی و اصلاح‌محور به شخصیت کودک است. طفل بزهکار شخصی است که هنوز در مرحله رشد و شکل‌گیری شخصیت قرار دارد و امکان اصلاح و بازاجتماعی شدن وی بسیار بیشتر از بزرگسالان است. از این رو، واکنش کیفری نسبت به وی باید مبتنی بر حمایت، تربیت و اصلاح باشد، نه صرفاً تنبیه و سرکوب.

در همین راستا، ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی را می‌توان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های تحول سیاست جنایی ایران در حوزه عدالت کیفری اطفال دانست. قانون‌گذار در این ماده با فاصله گرفتن از رویکرد سنتی مبتنی بر تنبیه و مجازات، تلاش نموده است نظامی مبتنی بر: اصلاح، تربیت، حمایت روانی و اجتماعی و بازاجتماعی کردن طفل ایجاد نماید. پیش‌بینی تدابیری همچون: تحویل طفل به والدین، اخذ تعهد به تربیت، نظارت مددکار اجتماعی، مشاوره روان‌شناختی و نگهداری در کانون اصلاح و تربیت نشان‌دهنده آن است که هدف اصلی قانون‌گذار، جلوگیری از تکرار جرم و بازگرداندن طفل به مسیر طبیعی رشد اجتماعی است، نه صرفاً اعمال مجازات.

با این حال، بررسی‌های انجام‌شده بیانگر آن است که ماده ۸۸ با وجود ویژگی‌های مثبت و متری، همچنان با چالش‌های مهمی روبه‌رو است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، ابهام در معیار تشخیص رشد عقلی و روانی طفل است. هرچند قانون‌گذار تلاش نموده به وضعیت ذهنی و شخصیتی کودک توجه کند، اما معیار دقیق و واحدی برای ارزیابی رشد فکری ارائه نشده است. این موضوع می‌تواند زمینه‌ساز تفاوت در برداشت قضات و صدور آرای متفاوت در پرونده‌های مشابه گردد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷).

از سوی دیگر، تعارض میان معیار بلوغ شرعی و یافته‌های روان‌شناسی رشد، یکی از اساسی‌ترین مباحث قابل نقد در حقوق کیفری اطفال ایران محسوب می‌شود. بسیاری از متخصصان علوم رفتاری معتقدند که بلوغ جسمانی به معنای تکامل عقلانی و روانی نیست و رشد کامل شخصیت و قدرت تصمیم‌گیری منطقی تا سال‌ها پس از بلوغ ادامه می‌یابد.

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول
آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای
ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

۱. امام خمینی، (1379)، تحریرالوسیله، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲. اردبیلی، محمدعلی، (1398)، حقوق جزای عمومی (جلد دوم)، تهران: میزان.
۳. آشوری، محمد، (1391)، آیین دادرسی کیفری، تهران: سمت.
۴. شامبیاتی، هوشنگ، (1395)، حقوق جزای عمومی، تهران: مجد.
۵. صانعی، پرویز، (1387)، حقوق جزای عمومی، تهران: دانشگاه تهران.
۶. قانون مجازات اسلامی، (۱۳۹۲)، مصوب مجلس شورای اسلامی.
۷. قانون مدنی، (۱۳۱۴)، مصوب مجلس شورای ملی.
۸. کاتوزیان، ایرج، (1396)، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران: میزان.
۹. محقق حلی، (بی‌تا)، شرایع الاسلام، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۰. میرمحمدصادقی، حسین، (1397)، حقوق جزای عمومی، تهران: میزان.
۱۱. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، (1392)، جرم‌شناسی، تهران: گنج دانش.

12. United Nations. (1989). Convention on the Rights of the Child. New York: United Nations.

13. Gassin, R. (2006). Criminologie. Paris: Dalloz.

بر همین اساس، پیشنهاد می‌شود:

۱. معیارهای علمی دقیق‌تری برای تشخیص رشد
عقلی اطفال تدوین گردد؛

۲. آموزش تخصصی قضات اطفال توسعه یابد؛

۳. نظام عدالت ترمیمی در حوزه اطفال تقویت شود؛

۴. حمایت‌های روانی و اجتماعی پس از آزادی
گسترش یابد؛

۵. و هماهنگی بیشتری میان حقوق داخلی و
استانداردهای بین‌المللی حقوق کودک ایجاد شود.

بی‌تردید، تحقق کامل اهداف ماده ۸۸ قانون مجازات
اسلامی، مستلزم تلفیق صحیح مبانی فقهی با یافته‌های نوین
جرم‌شناسی، روان‌شناسی رشد و حقوق بشر است؛ زیرا عدالت
کیفری اطفال زمانی محقق خواهد شد که جامعه، طفل بزهکار
را نه صرفاً به عنوان مجرم، بلکه به عنوان انسانی قابل اصلاح
و نیازمند حمایت بنگرد.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در
اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه
نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و
علمی سپاسگزاری می‌شود.